

Subject: Mr. Ayatollah, Tear Down This Constitution

May 19, 2026

Mr. President,

For more than three years, together with friends and colleagues in the organization Cyrus Force, we have argued that the crisis between Iran and the West cannot be solved permanently through military confrontation, temporary ceasefires, sanctions alone, or emotional political slogans.

The root of the problem lies in the Constitution of the Islamic Republic of Iran itself.

After years of war threats, failed negotiations, regional instability, and political theater in Washington, I have completed my latest book:

Mr. Ayatollah, Tear Down This Constitution

The title intentionally echoes President Ronald Reagan's historic words:

"Mr. Gorbachev, tear down this wall."

I chose those words carefully because America suffers from a dangerous blindness regarding Iran — not only among politicians, but among media figures, analysts, think tanks, and even institutions responsible for shaping American foreign policy.

Mr. President, a painful question must finally be asked openly:

How many senators, members of Congress, intelligence officials, television experts, journalists, or policy advisers who speak daily about Iran have actually read the Constitution of the Islamic Republic of Iran?

How many understand that the system was constitutionally designed to place ideological religious authority above elections, parliament, presidents, and the will of the people themselves?

How many understand that every negotiation, temporary agreement, reform movement, or military confrontation remains temporary because the constitutional foundation itself guarantees permanent crisis?

For decades, Washington has debated symptoms while refusing to examine the source of the disease.

American media endlessly discusses personalities, elections, missile attacks, militias, sanctions, and military responses. Yet almost nobody asks the most basic question:

What kind of constitutional system produces this behavior repeatedly for nearly half a century?

The answer sits openly in the Constitution itself.

If America's policymakers, media institutions, and intelligence communities had seriously studied the constitutional structure of the Islamic Republic years ago, perhaps America could have avoided decades of failed strategies, instability, deaths, and trillions of dollars wasted across the Middle East.

Instead, many in Washington chose easier paths:

short-term headlines,

emotional slogans,

manufactured outrage,

and military escalation.

Some perhaps acted from ignorance.

Others perhaps benefited politically and financially from the continuation of permanent crisis within the modern Military-Industrial Complex.

Mr. President, throughout your political career you repeatedly declared that America should not become trapped in endless wars. History may prove you correct.

But avoiding endless war requires more than avoiding military intervention. It requires understanding the political structure producing the conflict.

Iran will not be permanently stabilized through bombs, fantasy slogans, or another generation of bloodshed.

A peaceful and realistic path still exists:

1. Support formation of a Constitutional Assembly to draft a new democratic constitution for Iran.

2. Smart sanctions directed specifically against corrupt regime elites and the financial networks sustaining authoritarian power — not against ordinary Iranian people.

This book was written not as propaganda, but as a challenge to America's political, media, and academic establishment:

Read the Constitution.

Ask the right question.

Stop treating the symptoms while ignoring the disease.

Because history will not ask whether Washington held enough conferences about Iran.

History will ask whether America's leaders had the courage to confront reality before another disaster became inevitable.

Respectfully,

Sohrab ChamanAra

www.CyrusForce.org

ترجمه فارسی

موضوع: آقای آیت الله این قانون اساسی را فرو بریز

نوزدهم می 2026

جناب آقای رئیس جمهور،

بیش از سه سال است که ما، همراه با دوستان و همکاران خود در سازمان سایروس فورس، استدلال کرده‌ایم که بحران میان ایران و غرب را نمی‌توان به طور پایدار از طریق رویارویی نظامی، آتش‌بس‌های موقت، صرفاً تحریم‌ها، یا شعارهای احساسی سیاسی حل کرد.

ریشه اصلی مشکل، در خود قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نهفته است.

پس از سال‌ها تهدید جنگ، مذاکرات ناموفق، بی‌ثباتی منطقه‌ای، و نمایش‌های سیاسی در واشنگتن، تازه‌ترین کتاب خود را به پایان رسانده‌ام:

«آقای آیت‌الله، این قانون اساسی را فرو بریز»

عنوان این کتاب، عمداً یادآور سخن تاریخی رئیس جمهور رونالد ریگان است:

«آقای گورباچف، این دیوار را فرو بریز»

این عبارت را آگاهانه انتخاب کردم، زیرا آمریکا امروز در برابر واقعیت ایران دچار نوعی نابینایی خطرناک شده است؛ نه فقط در میان سیاستمداران، بلکه در میان چهره‌های رسانه‌ای، تحلیلگران، اندیشکده‌ها، و حتی نهادهایی که سیاست خارجی آمریکا را شکل می‌دهند.

جناب آقای رئیس جمهور، اکنون زمان آن رسیده که یک پرسش دردناک، آشکارا مطرح شود.

چه تعداد از سناتورها، اعضای کنگره، مقامات اطلاعاتی، کارشناسان تلویزیونی، روزنامه‌نگاران، یا مشاوران سیاسی که هر روز درباره ایران سخن می‌گویند، واقعاً قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را خوانده‌اند؟

چه تعداد می‌دانند که این نظام، از نظر قانون اساسی، به گونه‌ای طراحی شده که اقتدار ایدئولوژیک مذهبی را بالاتر از انتخابات، پارلمان، رئیس جمهور، و حتی اراده مردم قرار دهد؟

چه تعداد درک می‌کنند که هر مذاکره، توافق موقت، جنبش اصلاحی، یا درگیری نظامی، موقتی باقی می‌ماند، زیرا بنیان قانون اساسی این نظام، خود تضمین‌کننده تداوم بحران است؟

واشنگتن دهه‌ها درباره نشانه‌های بیماری بحث کرده، اما از بررسی منشأ اصلی آن خودداری کرده است.

رسانه‌های آمریکا بی‌پایان درباره شخصیت‌ها، انتخابات، حملات موشکی، شبه‌نظامیان، تحریم‌ها، و پاسخ‌های نظامی صحبت می‌کنند. اما تقریباً هیچ‌کس ساده‌ترین پرسش را مطرح نمی‌کند:

چه نوع نظام قانون اساسی، نزدیک به نیم قرن، چنین رفتاری را بارها و بارها تولید می‌کند؟

پاسخ، آشکارا در خود قانون اساسی نوشته شده است.

اگر سیاست‌گذاران، رسانه‌ها، و نهادهای اطلاعاتی آمریکا سال‌ها پیش ساختار قانون اساسی جمهوری اسلامی را به طور جدی مطالعه کرده بودند، شاید آمریکا می‌توانست از دهه‌ها سیاست‌های شکست‌خورده، بی‌ثباتی، مرگ انسان‌ها، و هدر رفتن تریلیون‌ها دلار در خاورمیانه جلوگیری کند.

در عوض، بسیاری در واشنگتن راه آسان‌تر را انتخاب کردند:

تیتراهای کوتاه مدت،

شعارهای احساسی،

خشم نمایشی،

و تشدید نظامی.

شاید بعضی از روی ناآگاهی عمل کردند.

و شاید برخی دیگر، از تداوم بحران دائمی در درون ساختار مجتمع نظامی - صنعتی مدرن، سود سیاسی و مالی بردند.

جناب آقای رئیس‌جمهور، شما در طول زندگی سیاسی خود بارها اعلام کرده‌اید که آمریکا نباید در جنگ‌های بی‌پایان گرفتار شود. شاید تاریخ، در این مورد، حق را به شما بدهد.

اما پرهیز از جنگ‌های بی‌پایان، تنها به معنای پرهیز از مداخله نظامی نیست. بلکه مستلزم درک ساختار سیاسی‌ای است که این بحران را تولید می‌کند.

ایران با بمباران، شعارهای خیالی، یا یک نسل دیگر از خونریزی، به ثبات پایدار نخواهد رسید.

هنوز یک مسیر صلح‌آمیز و واقع‌بینانه وجود دارد:

1- حمایت از تشکیل مجلس مؤسسان برای تدوین یک قانون اساسی دموکراتیک جدید برای ایران

2- تحریم‌های هوشمند علیه نخبگان فاسد حکومتی و شبکه‌های مالی‌ای که قدرت استبدادی را حفظ می‌کنند - نه علیه مردم عادی ایران.

این کتاب نه به عنوان تبلیغات، بلکه به عنوان چالشی برای ساختار سیاسی، رسانه‌ای، و دانشگاهی آمریکا نوشته شده است:

قانون اساسی را بخوانید.

پرسش درست را مطرح کنید.

به جای نادیده گرفتن بیماری، فقط با علائم آن نجنگید.

زیرا تاریخ نخواهد پرسید که آیا واشنگتن کنفرانس‌های کافی درباره ایران برگزار کرد یا نه.

تاریخ خواهد پرسید که آیا رهبران آمریکا، پیش از آنکه فاجعه‌ای دیگر اجتناب ناپذیر شود، شجاعت رویارویی با واقعیت را داشتند یا نه.

با احترام،

سهراب چمن‌آرا